

چالش های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه

پرویز نادری نسب

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

(تاریخ دریافت: ۱۶/۵/۱ - تاریخ تصویب: ۱۶/۹/۱۸)

چکیده:

در سال های اخیر شاهد تحولاتی در منطقه خاور میانه بوده ایم که تغییرات در صحنه سیاسی عراق، بحران مشارکت در کابینه لبنان، اختلافات داخلی فلسطین و موضوع صلح آمیز هسته ای ج.ا.ایران از آن جمله هستند و با توجه به رقابت های منطقه ای عربستان با جمهوری اسلامی ایران، تحولات یاد شده موجبات واگرایی و بروز تنش هایی در روابط دو کشور شده است با توجه به اینکه ظاهراً روند اوضاع در منطقه در راستای مواضع و منافع عربستان قرار ندارد، بنابراین ج.ا.ایران می باید از هر اقدامی که به تشدید تنش در روابط و ارایه تصویر نامطلوب از ایران نزد عربستان سعودی منجر شود اجتناب ورزد.

واژگان کلیدی :

ایران ، عربستان ، چالش ها ، واگرایی ، همگرایی

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران و عربستان، دو کشور مهم و تأثیرگذار حوزه خلیج فارس و منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه محسوب می‌شوند. این دو کشور با دارا بودن ذخایر عظیم هیدرو کربنی و موقعیت استراتژیک در منطقه از اهمیت زیادی برخوردارند. از سوی دیگر تمرکز قدرت دو گروه اصلی مسلمانان یعنی شیعیان و اهل سنت در دو کشور ایران و عربستان این کشورها را به دو قطب فرهنگی، فکری و مذهبی در جهان اسلام تبدیل کرده است. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دو کشور ایران و عربستان دو ستون دکترین نیکسون را تشکیل می‌دادند که از سوی آمریکا به منظور تأمین امنیت منطقه در راستای منافع غرب تدوین شده بود. ایران به عنوان ستون سیاسی نظامی با در اختیار گرفتن پیشرفته ترین تجهیزات نظامی روز و حمایت‌های نظامی و سیاسی، ژاندارم آمریکا و حافظ منافع غرب و خط مقدم جبهه مقابله با کمونیسم شناخته می‌شد و عربستان بدلیل برخورداری از درآمدهای بالای نفتی نقش ستون اقتصادی مالی دکترین امنیت دو ستونی نیکسون را ایفا می‌کرد. پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران و سقوط رژیم پهلوی، با خارج شدن ایران از بلوک غرب و انتخاب مشی مستقل در سیاست خارجی توسط آن کشور، در معادلات استراتژیک منطقه چرخش ایجاد شد و عربستان در استراتژی‌های غرب از اهمیت بیشتر برخوردار شد و روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران وارد مرحله جدید گردید. حمایت‌های سیاسی و اقتصادی عربستان از رژیم صدام حسین در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران، به شهادت رساندن حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶ در شهر مکه، حضور و موضعگیری‌های عربستان در شورای همکاری خلیج فارس علیه ایران و برخی مسایل دیگر موجبات واگرایی در روابط دو کشور را فراهم آورد. اما تحولات دیگر از جمله به قدرت رسیدن ملک عبدا... و پرهیز از دشمن تراشی در سیاست خارجی ایران، مواضع مشترک دو کشور در خصوص برخی مسایل منطقه از جمله جنگ خلیج فارس و برخی همکاری‌های منطقه ای زمینه همگرایی بین دو کشور را فراهم آورده است. رقابت‌های دو کشور در لبنان، فلسطین و عراق پس از اشغال و اختلاف نظرها در خصوص موضوع هسته ای ایران نیز از مسایل مهم و تأثیرگذار در کشش‌های واگرایانه در روابط دو کشور است که هنوز پابرجا هستند. از سوی دیگر، خصومت‌های غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا با جمهوری اسلامی ایران بدون تردید در روابط دو کشور عربستان و ایران تأثیرگذار بوده است. سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تلاش آمریکا برای انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و پیگیری استراتژی‌های مختلف از جمله «ترویج تفرقه بین کشورهای خلیج فارس» و «القای ایران هراسی» با استفاده از حضور ناوگان نظامی در خلیج فارس و حضور گسترده نظامی در عراق و تهدیدات مکرر برای تهاجم نظامی

به ایران، با هدف تیره کردن روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه انجام گرفته است. نکته حائز اهمیت در خصوص روابط دو کشور ایران و عربستان این است که روابط دو کشور به دلیل اهمیت طرفین در مسایل راهبردی منطقه خاورمیانه تأثیر فراوان دارد. در این مقاله تلاش می‌شود تحولات مهم و تأثیرگذار بر روابط عربستان با جمهوری اسلامی ایران بررسی شود. ابتدا مراکز و نهادهای مؤثر بر اتخاذ سیاست خارجی عربستان و در ادامه تحولات و رویدادهای سال های اخیر که بر سیاست خارجی عربستان و روابط خارجی این کشور در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران مؤثر بود بررسی می‌شود و در پایان تصویری از آینده روابط دو کشور ترسیم می‌گردد.

هدف از این پژوهش بررسی چالش های موجود در روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران است و مطالعه تحولاتی که موجب فراهم آمدن موانع و مشکلاتی در روابط دو کشور شده است. بدون تردید این موضوع از اهمیت بسیار زیاد برخوردار است زیرا اقدام جهت شناسایی مشکلات و چالش ها و مقدمه‌ای برای مرتفع ساختن این چالش ها، بررسی راهکارهای مناسب جهت ارتقاء سطح روابط دو کشور خواهد بود.

در سال های اخیر منطقه خاورمیانه دستخوش تحولات مهم بوده است. به دنبال تغییرات اساسی در سیاست خاورمیانه ای آمریکا پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و تهاجم نظامی این کشور به افغانستان و عراق و تحولاتی مانند مطرح شدن موضوع هسته‌ای جمهوری ایران و جنگ ۳۳ روزه بین رژیم صهیونیستی و حزب ا...، منطقه خاورمیانه بیش از گذشته در کانون توجهات بین المللی قرار گرفته است. این تحولات روابط کشورهای منطقه با یکدیگر را تحت تأثیر قرار داده است. زیرا تفاوت های ساختاری و زیر بنایی نظام های سیاسی کشورهای منطقه و اختلاف دیدگاه ها و مواضع آنها نسبت به مسایل جاری منطقه باعث تشدید رقابت های منطقه ای و بوجود آمدن چالش هایی در روابط آنها گردیده است. روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران به عنوان دو کشور مهم و تأثیر گذار منطقه از اهمیت زیاد برخوردار است و در پی تحولات سال های اخیر روابط این دو کشور دستخوش تغییر شده است.

سیاست خارجی عربستان

الف) کلیات

عربستان سعودی کشوری است با مساحت ۲۱۴۹۶۹۰ کیلومتر مربع که در جنوب غربی آسیا و در منتهی الیه سواحل جنوب غربی خلیج فارس واقع است و بالغ بر ۲۴ میلیون نفر جمعیت دارد. تراکم جمعیت در این کشور ۹/۱ نفر در هر کیلومتر و رشد جمعیت ۴/۴ درصد

برآورد شده است (زراعت پیشه، ۱۳۸۴، ۱۲). کشور عربستان با واقع شدن در منطقه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خلیج فارس و دریای سرخ و دارا بودن بزرگ‌ترین ذخایر نفت جهان دارای ارزش بسیار بوده و همواره مطمع نظر بیگانگان و قدرت‌های بین‌المللی بوده است. از یک جهت دسترسی به خلیج فارس و از سوی دیگر ارتباط با دریای سرخ موجب شده است که این کشور جایگاهی خاص در استراتژی قدرت‌های فرا منطقه‌ای داشته باشد. دین اسلام بیشترین تأثیر و نفوذ را بین مردم عربستان دارد و تمامی اعمال شخصی و اجتماعی مردم براساس قوانین دینی تعریف می‌شود. واقع شدن دو شهر مذهبی مسلمانان یعنی مکه و مدینه در عربستان این کشور را در کانون توجهات مسلمانان قرار داده است. اکثر مسلمانان این کشور سنی مذهب و تابع مسلک وهابیت هستند. شیعیان حدود ۴ درصد جمعیت عربستان را تشکیل می‌دهند و تحت تبعیضات اجتماعی و حقوق شهروندی قرار دارند (محقق، ۱۳۸۵: ۶۹).

حکومت عربستان سعودی سلطنتی مطلق است که حاکم اصلی و مطلق شخص پادشاه می‌باشد. وی قدرت عزل و نصب تمامی مقامات رسمی کشور را دارد و از طریق شورای انتصابی وزیران مطابق با قوانین اسلامی حکومت می‌کند. قوه مقننه مستقل و فعال در عربستان وجود ندارد، همچنین در این کشور هیچ حزب سیاسی اجازه فعالیت ندارد. ولیعهد به طور سنتی از طریق توافق عام شاهزادگان ارشد انتخاب می‌شود و یا در برخی موارد پادشاه وی را از طریق مشورت با خانواده سلطنتی انتخاب می‌نماید. در هر حال، پادشاه قادر است ولیعهد را معزول و یا منصوب نماید.

یک شورای مشورتی از سال ۱۹۹۳ تشکیل شده و به دولت مشورت‌هایی می‌دهد اما قدرت قانونگذاری ندارد. تعداد اعضای مجلس شورا ۱۵۰ نفر است که از بین ادیبان، نخبگان، روزنامه نگاران و تجار توسط شخص پادشاه برگزیده می‌شوند. در سال ۲۰۰۵ چهارمین دوره چهار ساله مجلس شورا آغاز شد. پیشنهادهای مجلس شورا به شورای وزیران و پس از موافقت هیات وزیران برای تصویب نهایی به شخص پادشاه ارایه می‌گردد. هر منطقه از مناطق سیزده‌گانه عربستان توسط یک حاکم منصوب پادشاه اداره می‌شود. در بعد فرهنگی سلفی‌گری رشد زیادی داشته که سازمان دهی شبکه القاعده از جمله مصادیق رشد این تفکر در عربستان است. در سال‌های اخیر با روی کار آمدن امیرعبدالله... که فردی عملگرا و خواهان اصلاحات در عربستان است و از سوی دیگر ظهور نسل جدید تحصیلکرده تکنوکرات، فضای سیاسی بازتر در این کشور ایجاد شده است.

ب) سیر روابط خارجی عربستان با ایران

از آنجا که کشور عربستان سعودی پس از اتحاد در سال ۱۹۲۸ همواره مورد حمایت بلوک غرب بوده است، به همین دلیل روابط خارجی این کشور با سایر کشورها از جمله ایران تحت تأثیر سیاست های غرب خصوصاً ایالات متحده آمریکا قرار داشته است. در دوران جنگ سرد سیاست بین المللی عربستان مقابله و جلوگیری از نفوذ با هرگونه حرکت رادیکال در منطقه بوده است. در سیاست منطقه‌ای، عربستان همواره خود را «پدرخوانده» شیوخ عرب منطقه تلقی کرده و تسلط سیاسی و فرهنگی بر کشورهای عرب منطقه را تعقیب می نماید و تلاش کرده است با اندیشه ها و اقدامات جریان هایی دیگر از جمله ناسیونالیسم عربی جمال عبدالناصر و جنبش بعثی ها و انقلاب اسلامی ایران در منطقه به مقابله بپردازد. گرچه عربستان در مقابل مسئله فلسطین از دیرباز حساسیت نشان داده است و حتی در سال ۱۹۷۳ به رهبری ملک فیصل سردمدار تحریم نفتی اعراب علیه غرب بود اما در دهه ۸۰ میلادی بر اساس طرح ۸ ماده‌ای، فهد رژیم اشغالگر قدس را به رسمیت شناخت (زراعت پیشه، ۱۳۸۴: ۵۳). روابط دو کشور عربستان و ایران در سال ۱۹۲۸ پس از تشکیل حکومت عربستان برقرار گردید و سفارت عربستان در ایران در سال ۱۹۳۵ تأسیس شد و تا سال ۱۹۴۳ روابط ادامه داشت در همین سال بدلیل وارد آوردن اتهام به یکی از حجاج ایرانی از سوی وهابیون و نهایتاً اعدام وی، روابط سیاسی دو کشور قطع گردید. در سال ۱۹۴۷ روابط دو کشور مجدداً برقرار شد. به طور کلی روابط ایران و عربستان تا زمان تشکیل سازمان اوپک در سال ۱۹۶۰ در چارچوب حفظ خانواده سلطنتی، ادعای حاکمیت بر مسلمانان به عنوان ۲ قطب جهان اسلام و دشمنی مشترک با جمال عبدالناصر قرار داشت؛ اما پس از تشکیل اوپک روابط دو کشور توسعه یافت و ابعاد اقتصادی را دربر گرفت و دو کشور در زمینه مسائل اوپک و تا حدودی فلسطین، تاسیس و اداره و چگونگی خط و مشی کنفرانس اسلامی هماهنگی داشته و هر دو با یک دیدگاه به آمریکا و شوروی می نگریستند. پس از انقلاب اسلامی ایران ملک خالد پادشاه عربستان برپاشدن حکومت اسلامی در ایران را مقدمه تفاهم و نزدیکی هرچه بیشتر دو کشور دانست و فهد ولیعهد وقت عربستان در اظهار نظری گفته بود: «حکومت جدید ایران را تأیید می کنیم و برای رهبری آن احترام زیادی قائل هستیم». اما پس از تأسیس دفتر جبهه آزادی بخش شبه جزیره عربستان در تهران، مخالفت های پنهانی عربستان علیه ایران آغاز و موضعگیری های تند این کشور علیه ایران در مطبوعات نمایان شد.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، روابط دو کشور عربستان و ایران بحرانی شد. در ابتدای جنگ، عربستان به ظاهر موضع بی طرفی اتخاذ کرد ولی عملاً به طور گسترده از عراق حمایت می کرد و با اختصاص وام های کلان در زمره مهم ترین تأمین کنندگان مالی و

تسلیماتی صدام قرار گرفت. کشورهای عرب خلیج فارس در طول جنگ تحمیلی چهل میلیارد دلار کمک مالی به عراق دادند که بخش اعظم این مبلغ را عربستان و کویت تأمین کرده‌اند. علاوه بر آن از مجموع کمک ۷۰ میلیارد دلاری و تجهیزاتی به عراق، حدود ۳۰ میلیارد دلار آن توسط عربستان پرداخت گردید. عربستان روزانه ۲۸۰ هزار بشکه نفت از منطقه بیطرف استخراج و به حساب عراق می‌فروخت و روزانه بین ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار بشکه نفت عراق را از طریق خاک خود ترانزیت می‌کرد (زراعت پیشه، ۱۳۸۴: ۶۲).



تیرگی روابط عربستان و ایران در سال ۱۹۸۷ در جریان شهادت ۴۰۰ نفر از حجاج ایرانی در مکه به اوج خود رسید و به مدت سه سال روابط دو کشور قطع شد و ایران از اعزام حجاج به عربستان محروم شد. در سال ۱۹۹۱ پس از حمله دولت بعثی عراق به کویت و اشغال آن کشور، مواضع ایران در دفاع از حق حاکمیت کویت فضای منطقه را به نفع ایران تغییر داد و روابط دو کشور مجدداً برقرار گردید و سفارت دو کشور بازگشایی شد. لازم به ذکر است در این دوره عربستان علاوه بر کمک‌های فراوان به رژیم صدام، در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز همواره علیه جمهوری اسلامی ایران موضع‌گیری و اقدام کرده است. در سازمان‌هایی مانند سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، جنبش عدم تعهد و سازمان ملل متحد، عربستان غالباً علیه ایران موضع گرفته است.

ج) عوامل تأثیرگذار در سیاست خارجی عربستان

بطور کلی عواملی وجود دارند که سیاست خارجی عربستان از آنها متأثر شده‌اند و همواره در طول تاریخ این عوامل و ملاحظات موجب گردیده‌اند تا این کشور نوع خاص سیاست

خاجی را اتخاذ نماید و در تنظیم روابط خود با کشورهای دیگر از جمله ایران این عوامل را لحاظ نماید. بطور کلی عوامل مؤثر در تنظیم و اجرای سیاست خارجی عربستان را به دو دسته عوامل داخلی و عوامل خارجی می‌توان تقسیم‌بندی کرد: در گروه عوامل داخلی مهم‌ترین عامل وجود حرمین شریفین در شهرهای مکه و مدینه است. این دو مکان مقدس برای مسلمانان، عربستان را در کانون توجهات مسلمانان قرار داده است. علاوه بر آنکه سالیانه درآمد زیادی از طریق زائرین مکان‌های مذهبی عاید دولت عربستان می‌شود، به لحاظ سیاسی و فرهنگی موقعیتی ویژه را برای عربستان ایجاد کرده است. این کشور بین مسلمانان ادعای رهبریت جهان عرب و اسلام را دارد و با پشتوانه ثروت عظیم خود که به برکت ذخایر نفت حاصل گردیده است، امتیازات سیاسی فراوانی را بدست آورده است بنابراین دومین عامل داخلی مؤثر بر سیاست خارجی عربستان نفت است. دارا بودن یک چهارم از ذخایر نفت جهان و توان تولید حدود ۱۰ میلیون بشکه نفت در روز آن چنان درآمدی را برای این کشور بوجود آورده است که توانسته سالیانه مبالغ کلانی را به تقویت بنیه نظامی و خرید تسلیحات از کشورهای خارجی و غربی اختصاص دهد و از سوی دیگر به یک کشور وام‌دهنده و کمک‌کننده بزرگ به سایر کشورها تبدیل شود که طبیعتاً کمک‌های مالی و اقتصادی عربستان زمینه‌های نفوذ این کشور در سایر کشورها را فراهم آورده است. به علاوه، توان ظرفیت بالای صادرات نفت، قدرت تاثیر گذاری بر بازار جهانی نفت را به آن کشور بخشیده است. در بعد خارجی مهم‌ترین عامل مؤثر بر سیاست خارجی عربستان اتکاء این کشور بر حمایت‌های دولت‌های غربی و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا است. شرکت آرامکو آمریکا بزرگ‌ترین شرکت نفتی حاضر در عربستان است و بیشترین نفت عربستان توسط این کشور استخراج و صادر می‌گردد. روابط آمریکا و عربستان طی سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و حضور آمریکا در منطقه به گونه‌ای بوده است که عربستان همواره متکی بر حمایت‌های این کشور در سیاست خارجی خود می‌باشد. کشور عربستان طی دوران جنگ سرد در چارچوب منافع غرب رفتار می‌کرد و با اتخاذ سیاست مقابله با کمونیسم و تضمین جریان صدور نفت دقیقاً در راستای سیاست آمریکا در منطقه گام برداشته است (البته در مقطعی در سال ۱۹۷۳ عربستان در تحریم نفتی کشورهای عربی علیه غرب شرکت کرد) به همین دلیل این کشور همواره مستظهر به حمایت‌ها و پشتیبانی‌های آمریکا بوده است، حتی روابط سران دولت‌های آمریکا مانند بوش پدر و جرج دبلیو بوش با خاندان سلطنتی عربستان به سطح روابط خاص و خانوادگی ارتقاء یافته است. دومین عامل خارجی تأثیر گذار بر روابط خارجی عربستان حضور و عضویت این کشور در برخی سازمان‌های منطقه‌ای است که عربستان در آنها برای خود جایگاهی خاص قایل است مانند شورای همکاری خلیج فارس که چند ماه پس از آغاز جنگ

تحمیلی عراق علیه ایران تشکیل شد. در این سازمان منطقه ای عربستان با بدست گرفتن ریاست شورا تلاش می‌کند نظرات خود را بر این سازمان بقبولاند، با این حال نهاد شورای همکاری خلیج فارس نیز بر روابط خارجی عربستان تأثیرگذار است. سومین عامل مؤثر بر روابط خارجی عربستان در بعد خارجی موقعیت ژئوپلیتیک این کشور و واقع شدن میان دو آبراه مهم و حیاتی یعنی خلیج فارس و دریای سرخ است. این موقعیت استراتژیک عربستان امکان برقراری ارتباط این کشور با سراسر منطقه را از طریق دریا فراهم آورده و توانایی صدور آسان نفت را به عربستان داده است.

در هشتمین اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۵ تشکیل نیرویی تحت عنوان سپر جزیره متشکل از یگان‌هایی از ارتش‌های کشورهای عضو به تصویب رسید. این نیرو هم اکنون در شهر حفرباطن عربستان مستقر است و در استراتژی دفاع مشترک خلیج فارس و در سیاست منطقه ای عربستان عاملی مؤثر و مهم است. در مجموع مؤلفه‌های مختلف و موقعیت‌های داخلی و منطقه‌ای عربستان سعودی موجب شده سیاست خارجی این کشور در چارچوب منافع و اهداف غرب و بویژه آمریکا تنظیم شود و روابط آن با کشورهای منطقه و جمهوری اسلامی ایران از عوامل و مؤلفه‌های تأثیر گذار یاد شده متاثر باشد.

نهادهای و مراکز مؤثر بر سیاست خارجی عربستان

ساختار سیاسی در عربستان علاوه بر مطلقه بودن چند ویژگی خاص دارد از جمله اینکه نهادهای دولتی فاقد قدرت تصمیم‌گیری مؤثر هستند. دیگر اینکه افراد به صورت قابل توجه و تأثیرگذار در سرنوشت کشور دخالت ندارند و نمی‌توانند در ابعاد خارجی و داخلی سیاست ملی نقش مهم ایفا نمایند. گرچه رژیم سیاسی در عربستان سلطنتی مطلقه است و ساختارهای مدنی و دموکراتیک کمتر به چشم می‌خورند اما همانند هر کشور دیگری در این کشور افراد، نهادها و مراکزی وجود دارند که تلاش می‌کنند در سیاست خارجی نقشی ایفا نمایند و موجب گردند مجریان، روابط خارجی عربستان را با سایر کشورها با در نظر گرفتن ملاحظات خاص طراحی کنند. نهادها و اشخاصی که در سیاست خارجی عربستان سعودی مستقیم و غیرمستقیم نقش و تأثیر دارند به شرح زیر قابل احصاء و ارزیابی هستند:

پادشاه

بر تمام امور حکومتی سیطره دارد، تصمیمات مهم و اساسی مستقیماً با نظر وی اتخاذ می‌شود و نقش پادشاه در امور سیاست خارجی، محوری و تعیین‌کننده است.

ولیعهد

پس از شخص پادشاه ولیعهد نسبت به سایر افراد خاندان حاکم و درباریان از قدرت بیشتر برخوردار است. معاونت نخست وزیر و فرماندهی گارد سلطنتی را بر عهده دارد و چون خود را پادشاه آینده می داند در عرصه سیاست داخلی و خارجی تأثیرگذار است.

شاهزادگان

انبوه شاهزادگان در ساختار حکومت و چگونگی اعمال قدرت و اداره امور سیاسی و اقتصادی مملکت نقش مهم ایفا می کنند. تعداد زیاد شاهزادگان و تفکر گروهی آنان به طور غیر مستقیم در سیاست خارجی عربستان مؤثر است.

مجلس خانوادگی شیوخ

مجلس خانوادگی شیوخ که «مجلس الاسره الملكة السعودیه» نامیده می شود خطوط کلی سیاست داخلی و خارجی حکومت عربستان سعودی را تعیین می کند و بر کار هیأت وزیران و نحوه انتخاب آنها نظارت و اشراف دارد.

هیأت وزیران

هیأت وزیران از جمله نهادهایی است که اعضای آن توسط پادشاه تعیین می شوند و وی را در اجرای وظایف نخست وزیری یاری می کنند (زراعت پیشه، ۱۳۸۴: ۱۲۶). پست های کلیدی هیأت وزیران مانند وزارتخانه های دفاع، کشور و امور خارجه از ابتدا تا کنون بر عهده افراد خانواده سلطنتی بوده است رئیس دستگاه دیپلماسی وزیر امور خارجه می باشد که در واقع عامل اجرای سیاست خارجی است.

قوه مقننه (مجلس مشورتی)

پس از جنگ نفت در سال ۱۹۹۲ مجلس مشورتی طی فرمان ملک فهد تشکیل شد. اکنون ۱۵۰ نفر عضو دارد و در سیاست خارجی عربستان نقش مشورتی دارد.

گروه های ذی نفوذ و احزاب

گروه های ذی نفوذ در صحنه سیاسی عربستان شامل علمای مذهبی، بنیادهای دینی تبلیغی، مدارس علوم دینی وهابی و مساجد مهم می باشند که به طور غیرمستقیم از طریق خطبه ها، خطابه ها و نشریات خود در سیاست خارجی عربستان سعودی مؤثر هستند (Champion, 1999: 3).

جمع بندی سیاست خارجی عربستان سعودی

بطور کلی تصمیم گیری در مسایل سیاست خارجی عربستان سعودی، به طریق اجماع و در محفل خصوصی خانوادگی و همچنین در نهایت پنهان کاری صورت می گیرد، بویژه آنکه مسایل به امنیت کشور هم ارتباط داشته باشد. در صورت بروز اختلاف و دست یافتن به توافق

عام در مورد یک موضوع، تصمیم‌گیری درباره آن موضوع به تعویق می‌افتد و یا از تصمیم‌گیری بطور کلی صرف نظر می‌شود. عربستان سیاست خارجی خود را در روابط با غرب تعریف کرده است و با کشورهای غربی و طرفداران آنها روابط نزدیک برقرار نموده است. این رویکرد کلی در صحنه منطقه‌ای نیز مورد توجه می‌باشد و عربستان با کشورهای به اصطلاح میانه رو و محافظه کار منطقه که سیاست‌های آنها در تضاد با سیاست‌های غرب نباشد روابط گسترده دارد. اگرچه سیاست خارجی عربستان سعودی بر مبنای نزدیکی به قدرت‌های غربی استوار است اما دولت عربستان مخالفت با تفکرات الحادی و افکار و اعمال آزادی طلبانه را همواره لحاظ می‌نماید.

تحولات منطقه ای تأثیرگذار بر روابط دو کشور عربستان و ایران

همانطور که قبلاً بیان شد بعد از اشغال کویت توسط ارتش صدام و وقوع جنگ موسوم به نفت، ایران اشغال کویت را محکوم کرد و خواستار بازگشت عراق به مرزهای بین‌المللی شد و به آوارگان جنگی کویت و در بازسازی چاههای نفتی آن کمک کرد. این جنگ فضای مناسب برای شروع دوره ای جدید در روابط بین ایران و کشورهای منطقه خلیج فارس و در رأس آنها عربستان سعودی را فراهم آورد. ملاقات رئیس‌جمهوری اسلامی ایران آقای هاشمی رفسنجانی با ملک عبدالعزیز ولیعهد وقت آن کشور و موافقت وی با برگزاری اجلاس سران کنفرانس اسلامی در تهران در کنار آن سیاست خارجی تنش زدای ایران در دوران سید محمد خاتمی روابط ایران و عربستان را با افق و چشم انداز مثبت و روشن جلوه می‌داد، اما تحولات منطقه ای در سال‌های اخیر شامل اوضاع عراق، فلسطین، لبنان و نهایتاً مذاکرات هسته ای ایران و تبلیغات منفی غربی‌ها در خصوص توان هسته ای صلح آمیز ایران باعث تیرگی افق‌های روشن شده است.

الف) تحولات عراق

تهاجم نظامی آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ و سرنگونی رژیم صدام حسین تأثیر بسیار بر منطقه خاورمیانه و نظام بین‌المللی داشته است. نظم گذشته در عراق فرو ریخته و هریک از بازیگران فرامنطقه ای و منطقه ای تلاش کردند تا نظم مورد نظر خود را در این کشور برقرار سازند. صرف نظر از ایالات متحده آمریکا که به عنوان بازیگر قدرتمند فرامنطقه‌ای به بازیگر اصلی صحنه عراق تبدیل شد. کشورهای دیگر منطقه مانند عربستان و جمهوری اسلامی ایران رقابت جدی جهت شکل‌دهی مناسب به روند اوضاع عراق را آغاز کردند به ویژه آنکه به‌رغم

حساسیت های مذهبی و قومی دولت عربستان، بالاخره پس از روندی دموکراتیک دولت شیعی در عراق قدرت را در دست گرفت.

دولت عربستان از دو جهت از روی کار آمدن دولت شیعی در عراق ناراضی و ناخشنود است. اول اینکه بدلیل نبود ساختارهای دموکراتیک در عربستان، روند اجرا شده دموکراسی در عراق بعنوان نخستین کشور عربی منطقه می تواند به مثابه الگویی، کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. برای بار در یک کشور عرب منطقه، مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود شرکت کردند و بدون در نظر گرفتن خواست اشغالگران، دولتی را بر سرکار آوردند که اولاً متناسب با ترکیب مذهبی است، ثانیاً، تمام روندهای مردم سالاری را مطابق استانداردهای قابل قبول طی کرده است. بهر حال این روند از چشم ملت های منطقه پوشیده نمانده و توجه روشنفکران و نخبگان در کشورهای عرب منطقه از جمله عربستان را به خود جلب کرده است. عربستان کشوری که در آن حکام داعیه رهبریت جهان عرب را دارند معیارهای مردم سالاری حتی از نوع ضعیف و توسعه نیافته آن رعایت نمی شود. این موضوع می تواند نگرانی های حاکمان و سیاستمداران در این کشور را پس از آنکه الگویی عملی در عراق شکل گرفت، تشدید نماید. از سوی دیگر، ماهیت شیعی حکومت انتخابی در عراق از نظر حاکمان عربستان حائز اهمیت فراوان است. قدرتمند شدن شیعیان در منطقه علاوه بر آنکه موجب کاهش نفوذپذیری منطقه از سیاست های عربستان می شود، زمینه تقویت شیعیان عربستان را که بیشتر از ۴ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می دهند و عمدتاً در منطقه نفت خیز شرق این کشور سکنی دارند فراهم می آورد. شیعیان در عربستان در طول تاریخ از حقوق اساسی خود محروم بوده و مورد تبعیضات سیاسی اجتماعی و شهروندی عمیق و گسترده قرار داشته اند. به همین دلیل از ابتدا عربستان سعودی نسبت به موضوع حمله نظامی آمریکا به عراق و استقرار نظم جدید در عراق مشکوک و نگران بوده است. حاکمان دولت عربستان امیدوار بودند پس از سرنگونی صدام حسین، در بدترین شرایط یک رژیم لیبرال که صرفاً تنش های حاد در روابط خود با جمهوری اسلامی ایران نداشته باشد قدرت را در دست گیرد. اما این امیدواری با روی کار آمدن شیعیان طرفدار ایران در انتخاب ژانویه ۲۰۰۵ به یأس و نومیدی تبدیل شد. این موضوع گرچه مورد خواست آمریکا نیز نبود ولی بنظر می رسد صاحب نظران غربی نیز به این نتیجه رسیده اند که نقش شیعیان در روابط با دنیای غرب متعادل تر از سنی هاست و شیعیان ثابت کرده اند که هرگز به اقدامات نابهنجار علیه منافع غرب مشابه رویدادهای ۱۱ سپتامبر دست نمی زنند و خواست و دیدگاه های خود را از روشهای مسالمت آمیز و مطلوبتری پیگیری می کنند. رفتار آمریکا در عراق خشم کشورهای عربی و در رأس آنها عربستان را برانگیخت زیرا به رسمیت شناختن شیعیان در راس قدرت در عراق را سرآغاز نفوذ جمهوری

اسلامی ایران در منطقه تلقی می‌نمایند. هر یک از کشورهای منطقه جمعیتی از شیعیان را در خود جای داده‌اند و در بحرین اکثریت مردم آن کشور شیعه هستند. در این خصوص می‌توان گفت با توجه به نقش آمریکا در استقرار حکومت شیعی در عراق بنظر می‌رسد استراتژیست‌های آمریکایی به این نتیجه رسیده‌اند که شیعیان می‌توانند خطر بنیادگرایی سنی در منطقه را که منافع غرب را بطوری جدی تهدید می‌کند، متعادل سازند. به طور قطع، تغییر افکار عمومی آمریکایی‌ها پس از یازدهم سپتامبر نسبت به حکومت عربستان سعودی در شکل‌گیری این باور نقش محوری داشته است (6: 4 may 2002, Economist). در هر حال، کشورهای عرب منطقه و در رأس آنها عربستان سعودی از تحولات عراق ناراضی و نگران این موضوع هستند که عراق به عنوان الگویی تبدیل شود و موجبات تغییر ساختار سیاسی را در دولت‌های منطقه فراهم آورد. ریچارد هاس در مقاله‌ای در مجله فارن افرز تحت عنوان «خاورمیانه جدید» می‌نویسد: با تغییر موازنه قدرت در خاورمیانه و خلیج فارس و بوجود آمدن عنصر شیعی در عراق و پیروزی حزب ا... در لبنان، افول قدرت آمریکا آغاز شده و این ترس کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و اقتدار گرایان سنی عرب را برانگیخته است (مستقیمی و ابراهیمی ۱۳۸۶: ۲۷۲). از میان کشورهای عرب منطقه بنظر می‌رسد عربستان سعودی بیش از سایرین نگران اوضاع عراق است و خود را در رقابت جدی تر با ایران در این کشور می‌بیند. بنابراین تحولات داخلی عراق را بدقت تعقیب می‌نماید یکی از مقامات عربستانی که به شدت سیاست‌های ضد ایرانی را دنبال می‌کند شاهزاده بندر بن سلطان است. وی که مدت ۲۲ سال سفیر عربستان در آمریکا بود و نفوذ زیادی در ارکان سیاسی آمریکا دارد در طول سفر دیک چنی معاون رئیس جمهور آمریکا به منطقه خاورمیانه در ژانویه سال ۲۰۰۶ تلاش زیادی بخرج داد تا وی را متقاعد به انجام اقدامات جدی جهت محدود کردن قدرت ایران در عراق نماید (روزنامه اعتماد ملی، ۲۴۴: ۱۱) در فوریه سال ۲۰۰۳ یک ماه قبل از حمله به عراق، سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان به بوش دوم هشدار داد که سرنگونی صدام یک مسأله را حل و پنج مشکل دیگر درست می‌کند اما سه سال پس از اشغال عراق ترکی الفیصل سفیر عربستان در آمریکا به بوش هشدار می‌دهد که اگرچه آمریکا بدون دعوت وارد عراق شد اما نباید همین گونه و سرخود کشور عراق را ترک کند که در این صورت عربستان به نفع سنی‌ها در عراق مداخله خواهد کرد تا جلوی قدرت‌گیری شیعیان را که از حمایت ایران برخوردارند بگیرد. همچنین در اجلاس‌های کشورهای همسایه عراق، عربستان علناً مراتب نگرانی خود را از نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق اعلام کرده است. در اجلاس آوریل ۲۰۰۸ که در کویت برگزار گردید سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان با لحن تندی با وزیر امور خارجه ایران برخورد نمود. به هر حال پس از برپایی دولت شیعی در عراق دولت عربستان حتی یک نامه هم برای

دولتمردان عراق، نفرستاده است (شجاع، ۱۳۸۵: ۴۷) همچنین دولت عربستان اعلام کرده از در اختیار قرار دادن وام و کمک‌های اقتصادی به دولت عراق خودداری خواهد کرد. رژیم عربستان حتی از این موضوع فراتر رفته و با تصور مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق از گروه‌های سنی ستیزه جو در عراق که از ابتدای اشغال این کشور توسط آمریکا تا کنون تعداد بیشماری از مردم بویژه شیعیان را به قتل رسانده اند حمایت و پشتیبانی می‌کند. در اکتبر ۲۰۰۶ مقامات عربستانی از حارث الضاری، رهبر هیات‌المسلمین عراق که از گروه‌های سنی مخالف دولت است و با تروریست‌ها و ستیزه جویان روابط نزدیک دارد به گرمی استقبال کردند.

گزارشی که توسط دو نماینده آمریکا در خصوص اوضاع عراق در سال ۲۰۰۷ تهیه و منتشر شد و به گزارش بیکر- هامیلتون مشهور گردید بر بی‌علاقه‌گی عربستان نسبت به جلوگیری از تروریسم در عراق و کمک به ثبات و آرامش در این کشور اشاره دارد. در گزارش بیکر- هامیلتون آمده است: «از یک سو کسانی خاص در عربستان و دیگر کشورهای منطقه به شورشیان در عراق کمک مالی می‌کنند و از سوی دیگر، دولت عربستان تسهیلاتی چون پایگاه‌های نظامی، حق پرواز در خطوط هوایی برای نیروهای آمریکایی فراهم می‌آورد و با آنها همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی دارد». گزارش بیکر- هامیلتون تأکید زیاد بر نقش مثبت همکاری ایران و سوریه در یافتن راه حل مناسب در جهت از بین بردن ناآرامی‌ها در عراق دارد. به همین دلیل امیر عبدا... پادشاه عربستان به صراحت به دیک چنی معاون رئیس‌جمهور آمریکا فهماند که اگر آمریکا بخواهد طبق گزارش بیکر- هامیلتون اقدام نماید، سعودی‌ها از مقاومت سنی‌های عراق علیه نیروهای اشغالگر حمایت خواهند کرد. همچنین عربستان همواره تلاش نموده با بهره‌گیری از قدرت آمریکا نفوذ ایران را در عراق محدود کند و این در حالی است که دولت بوش بویژه پس از حضور اکثریت دموکرات‌ها در کنگره از سال ۲۰۰۷ به بعد همواره تحت فشارهای کنگره برای خروج از عراق قرار داشته است. عربستان سعودی با بهره‌گیری از روابط نزدیک خود با آمریکا همواره کوشیده است تا حضور آمریکا در عراق حفظ گردد و حتی آمریکا را به پشتیبانی از گروه‌های سنی در صورت خروج آن کشور از عراق تهدید کرده است. نواف العبید از مشاوران دولت عربستان از طرح این کشور برای کمک به سنی‌های عراق در صورت خروج نیروهای آمریکایی از آن کشور خبر داده بود که بلافاصله از دولت عربستان اخراج گردید (روزنامه اعتماد ملی، ۲۴۴: ۱۱) و این بدان معنی است که دولت عربستان همچنان خواستار حضور نیروهای آمریکایی در عراق است.

در مجموع احساس خطر عربستان از توسعه نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه از یک سو موجب شده است این کشور هنوز بطور رسمی دولت شیعی عرتق را به رسمیت نشناسد و

مقامات رسمی این کشور هیچگونه سفری به عراق نداشته باشند و حتی به گروه‌های سنی مسلح کمک‌های مالی و تسلیحاتی ارسال نمایند. از سوی دیگر، روابط عربستان با جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر قرار گیرد و به رقابت جدی مبدل گردد. بدون تردید مواضع عربستان در خصوص سایر مسایل مرتبط با جمهوری اسلامی ایران از جمله مسایل هسته‌ای متأثر از رقابت‌های امنیتی و ایدئولوژیک در عراق، فلسطین و لبنان نشأت می‌گیرد.

ب) تحولات فلسطین

به منظور بررسی تأثیر مسایل و تحولات فلسطین بر روابط عربستان و جمهوری اسلامی ایران ابتدا به نقش و دیدگاه‌های عربستان در خصوص مسئله فلسطین اشاره و سپس به تفاوت این مواضع و دیدگاه‌ها با رویکرد جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود. پس از جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ که به خروج عراق از کویت منجر شد چون اعراب خود را مدیون آمریکایی‌ها می‌دانستند عربستان و شورای همکاری خلیج فارس آمادگی خود را جهت برقراری روابط با اسرائیل اعلام کردند. عربستان پس از جنگ دوم خلیج فارس کمک‌های اقتصادی خود به روند به اصطلاح صلح در فلسطین و تشکیل حکومت خودگردان فلسطین را اعلام کرد اما این کمک‌ها بعدها عملی نشد و روند حمایت عربستان از مذاکرات صلح و برقراری روابط با رژیم صهیونیستی چندان ادامه پیدا نکرد. سعودی‌ها در ابتدا آمریکا را یک داور بی‌طرف در مناقشه اعراب و اسرائیل می‌دانستند درحالی که پس از مدتی متوجه اشتباه خود شدند. از سوی دیگر، حاکمان عربستان، اسرائیل را سزاوار برقراری رابطه و قابل مذاکره قلمداد می‌کردند ولی بعد از اقدامات خشن اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی مواضع آنها تغییر کرد. در خصوص صلح، بن باز مفتی سابق اعظم عربستان گفته بود: «در صورتی که ولی امر در صلح با اسرائیل مصلحتی ببیند ترک مخاصمه همیشگی یا موقت جایز است، اسرائیل اکنون دشمن به حساب نمی‌آید و صلح با آن جایز است» (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۸۸). موضع عربستان نسبت به سیاست شهرک‌سازی اسرائیل در زمین‌های اشغالی فلسطین منفی است و این سیاست را خطرناک توصیف نموده است. همچنین عربستان با به رسمیت شناختن بیت‌المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل مخالف بوده و این موضوع را محکوم کرده اما از برخی توافقات بوجود آمده بین فلسطینیان و اسرائیل حمایت کرده است. در انتخابات ژانویه سال ۲۰۰۶ انتخابات اعضای شورای قانونگذاری فلسطین برگزار شد و در آن حماس بیشترین آراء را بدست آورد (۷۴ کرسی از ۱۳۲ کرسی) (شجاع، ۱۳۸۵: ۴۹). نتیجه این انتخابات برای جنبش فتح که تا پیش از این اکثریت را در شورا در اختیار داشت شکستی بزرگ محسوب می‌شد. با توجه به اینکه مواضع حماس و جمهوری اسلامی ایران در به رسمیت نشناختن رژیم

صهیونیستی یکسان است زمینه‌های همکاری جنبش حماس و ایران فراهم شد در مقابل، نگرانی‌های عربستان از افزایش نقش ایران در بحران خاورمیانه تشدید گردید. به‌رغم نظارت‌های بین‌المللی و گروه‌هایی از کشور آمریکا بر انتخابات و تأیید صحت آن، پس از به قدرت رسیدن حماس، کشورهای غربی از پذیرش دولت برآمده از این گروه به ریاست اسماعیل هنیه خودداری کردند. آمریکا شروط سه گانه به رسمیت شناختن اسرائیل، دست کشیدن از مبارزه و پای بند بودن به توافقنامه گذشته (فتح و اسرائیل) را برای به رسمیت شناختن حماس اعلام کرد که البته تاکنون حماس بر مواضع خود تأکید و شروط یاد شده را رد کرده است. بدلیل تنگناهای مالی ایجاد شده از سوی کشورهای غربی و عربی بویژه عربستان برای جنبش حماس این جنبش به دریافت کمک‌های مالی از ایران متمایل گردید و ایران کمکی به ارزش ۲۵۰ میلیون دلار در اختیار دولت حماس قرار داد (شجاع، ۱۳۸۵: ۴۹).

هنگامی که تنش‌ها میان حماس و فتح برای قدرت بالا گرفت و حتی زد و خوردهایی میان طرفداران دو گروه صورت پذیرفت، عربستان تلاش کرد با افزایش نقش خود در مسئله، اجلاس مکه را تشکیل دهد. این اجلاس تشکیل شد و گروه‌های مختلف فلسطینی برای تشکیل دولت وحدت ملی توافق کردند بر پایه این توافق از ۲۴ وزیر دولت خودگردان ۹ وزارتخانه به حماس و ۶ وزارتخانه به فتح رسید و اسماعیل هنیه همچنان سمت نخست وزیری را بر عهده گرفت علی‌رغم اینکه ترکیب توافق شده قدرت را از دست حماس خارج و بین گروه‌های مختلف فلسطینی تقسیم می‌کرد ولی باز هم با اعلام انحلال شورای قانونگذاری از سوی محمود عباس رئیس دولت خودگردان اسماعیل هنیه از سمت نخست وزیری عزل و قدرت حماس بیشتر تضعیف گردید. از دید بسیاری از پژوهشگران دخالت عربستان برای حل و فصل بحران در تشکیلات فلسطینی نشان از تلاش آن دولت برای رویارویی با افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران دارد و عربستان می‌خواهد از راه مشارکت در حل بحران‌های خاورمیانه جایگاه منطقه‌ای خود را باز یابد.

ج) تحولات لبنان

لبنان کشوری است با ۱۰/۴ هزار کیلومتر مربع و حدود ۴ میلیون نفر جمعیت (نادری سمیری، ۱۳۷۶: ۸) این کشور بیش از آنکه بر محیط بیرونی خود اثر گذار باشد از آن اثر می‌پذیرد بنابراین کشور یک بازیگر منفعل و نفوذپذیر است از سوی دیگر، لبنان از دیر باز عرصه رقابت و منازعه کشورهای منطقه و قدرت‌های فرا منطقه‌ای بوده است. ترور رفیق حریری نخست وزیر سابق و فرد منتفذ صحنه سیاسی لبنان در فوریه ۲۰۰۵، دخالت‌های شورای امنیت سازمان ملل و تصویب قطعنامه ۱۵۵۹ و جنگ بین رژیم صهیونیستی و حزب ا... موسوم به جنگ ۳۳

روزه در تابستان ۲۰۰۶ از جمله این تحولات مهم و تاثیرگذار سال های اخیر بوده‌اند که دو گروه تحت عناوین ۱۴ و ۸ مارس را در مقابل یکدیگر قرار داد. دولت‌های سنی منطقه و کشورهای غربی مانند عربستان، اردن، مصر، آمریکا، اسرائیل و دولت‌های اروپایی از گروه ۱۴ مارس شامل حزب المستقبل سعد حریری، گروه‌های سمیر جعجع، امین جمیل و حزب سوسیالیست ترقی خواه ولید جنبلاط حمایت و پشتیبانی می‌کنند و کشورهای ایران و سوریه به گروه ۸ مارس متشکل از حزب ا.، جنبش شیعی امل و برخی گروه‌های مسیحی تمایل دارند.

عربستان از دولت سینیوره حمایت کرد و همراه با کشورهای آمریکا و فرانسه کمکی معادل ۷/۶ میلیارد دلار در اختیار آن قرار داد (شجاع، ۱۳۸۵: ۴۹) که هدف از آن برسر قدرت نگه داشتن دولت غربگرای سینیوره در برابر گروه‌های مخالف بود. سیر تحولات لبنان در سال‌های اخیر همسو با خواست عربستان نبوده است. عربستان با رفیق حریری نخست وزیر فقید لبنان ارتباط تنگاتنگ داشت و پس از ترور وی بطور کامل در کنار ائتلاف ضد سوری حاکم یعنی گروه ۱۴ مارس قرار گرفت. یک روز پس از آغاز جنگ ۳۳ روزه وزیر امور خارجه عربستان با انتقاد از حزب ا. گفت «بین مقاومت مشروع و ماجراجویی تفاوت وجود دارد» و حتی مفتی عربستان فتوا داد هرگونه کمک و دعا برای حزب ا. حرام است (مهتدی، ۱۳۸۵). عبدا. جبرین مفتی اعظم سعودی، حزب ا. را حزبی رافضی و سیدحسن نصرالله را رئیس رافضیان شرق مدیترانه و نماینده صفویان ایران خواند (مستقیمی و ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۷۲). و دولت عربستان نیز وعده کمک ۱/۵ میلیارد دلار به دولت لبنان داد (گزارش راهبردی، ۱۸۰: ۹). اولمرت نخست‌وزیر اسرائیل نیز اعلام کرد کشورهای عربی از موضع اسرائیل در جنگ حمایت می‌کنند. این در حالی بود که اخباری مبنی بر سفر برخی مقامات عربستان به اسرائیل برای همکاری نزدیک اطلاعاتی با رژیم اسرائیل منتشر گردید.

اسرائیل جنگ ۳۳ روزه را با هدف از بین بردن حزب ا. به راه انداخت ولی در میان شگفتی فراوان در دستیابی به اهدافش ناکام ماند. این رخداد ریاض را که از افزایش شیعیان در منطقه نگران بود، بیمناک‌تر کرد. عربستان امیدوار بود با شکست حزب ا. در جنگ ۳۳ روزه از قدرت به اصطلاح هلال شیعی کاسته شود. بعد از پیروزی حزب ا. در جنگ، لیونی وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی در سخنانی گفت ما باید بدنبال تشکیل یک جبهه سنی علیه شیعیان باشیم. در این میان انتشار اخباری مبنی بر شیعه شدن بسیاری از مردم سوریه بعد از جنگ ۳۳ روزه و برپایی جشن در کویت، بحرین و شرق عربستان به مناسبت پیروزی حزب ا. بر نگرانی‌های عربستان افزود و موجب شد سعودی‌ها مواضع قبلی خود نسبت به حزب ا. و جنگ ۳۳ روزه را تعدیل و اصلاح کنند. در ژوئن ۲۰۰۸ اجلاس دوحه در قطر

تشکیل گردید. همچنین وزیر امور خارجه عربستان در قاهره خواستار اعزام نیروهای عربی به لبنان برای مقابله با حزب ا... شد، پادشاه عربستان، ملک عبدا... تا کنون چندین مرتبه از سیدحسن نصرا... رهبر حزب ا... برای سفر به عربستان دعوت کرد و وی را پسر خود خواند (روزنامه اعتماد ملی، ۱۳۸۷، ۵). آنچه مهم است، این که مواضع عربستان نسبت به حزب ا... تا حدود زیادی تحت تأثیر فشارهای دولت آمریکا است. در مجموع جنگ ۳۳ روزه و پیروزی حزب ا... موجب تضعیف مواضع عربستان در لبنان گردید و در مقابل، مواضع جمهوری اسلامی ایران به صورت چشمگیر تقویت شد.

د) مسئله هسته ای جمهوری اسلامی ایران

چند ماه پس از تهاجم نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، موضوع هسته ای جمهوری اسلامی ایران در صدر اخبار رسانه ها و محافل سیاسی و بین المللی قرار گرفت. این موضوع آنقدر اهمیت داشت که می توانست اوضاع و شرایط منطقه را تحت تأثیر قرار دهد بویژه آنکه ایالات متحده آمریکا به عنوان بزرگترین مخالف جمهوری اسلامی ایران موضوع هسته ای را بهانه ای مناسب جهت اعمال فشار و ایجاد اجماع بین المللی علیه ایران قرار داده بود. پس از اشغال عراق، آمریکا به هیچ وجه خواهان ظهور و تأثیر گذاری جمهوری اسلامی ایران در این کشور نبود. برخی کارشناسان معتقدند اساساً طرح همزمان مسئله هسته ای ایران و تهاجم نظامی به عراق از سوی آمریکا با هدف انزوای ایران از مسایل منطقه و دور نگه داشتن این کشور از تأثیرگذاری در تحولات عراق راه است. از آنجائی که رژیم صدام حسین رژیم سنی مذهب بود و توسط ارتش آمریکا ساقط شد و پس از حدود ۸۰ سال از تاریخ استقلال عراق، حکومت برای نخستین بار بدست اکثریت شیعه در این کشور افتاد اکثر کشورهای عرب منطقه بویژه عربستان از این موضوع بیمناک شده اند. بنابراین در تنظیم سیاست خارجی خود ملاحظاتی را در نظر گرفته و در روابط با جمهوری اسلامی ایران محتاطانه برخورد کرده اند. یکی از مسایل مهم که از حدود ۵ سال گذشته تاکنون جمهوری اسلامی ایران با آن مواجه بود برنامه اتمی است. از ابتدای مطرح شدن موضوع هسته ای ایران، عربستان نه تنها بصورت مستقل بلکه در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس در مقاطع مختلف اتخاذ موضع پرداخت. بدون تردید از آنجائی که روابط خارجی عربستان با سایر کشورها تا حدود زیادی تحت تأثیر سیاست خاورمیانه ای آمریکا قرار دارد، می توان انتظار داشت مواضع عربستان نسبت به موضوع مهم هسته ای ایران که بسیار مورد توجه آمریکا و غرب قرار گرفته است، تحت تأثیر سیاست های آمریکا و غرب قرار داشته باشد بطور کلی عربستان همواره در موضعگیریهای جمعی در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس علیه برنامه هسته ای ایران

اتخاذ موضع کرده است. موضعگیری در ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۴ در اجلاس وزرای خارجه شورای همکاری در جده، در بیانیه پایانی اجلاس سران در دسامبر ۲۰۰۶ ابوظبی و همچنین در اجلاس سران در فوریه ۲۰۰۶ در منامه از این جمله‌اند. در تمام بیانیه‌های یاد شده کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از برنامه اتمی ایران ابراز نارضایتی نموده‌اند (مستقیمی و ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۷۵). عبدالرحمن العطیه دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس در ژانویه ۲۰۰۵ اظهار داشت. عربستان سعودی و دیگر کشورهای عضو شورا هیچ گونه توجیهی برای فعالیت‌های هسته‌ای ایران نمی‌بینند و این اقدامات ایرانی‌ها نوعی ماجراجویی قلمداد می‌شود. پادشاه عربستان (ملک عبدا...) بیان داشته است نگران برنامه اتمی ایران است. همچنین سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان طی سخنرانی در شورای روابط خارجی آمریکا در سال ۲۰۰۳ خواستار دخالت این کشور در برابر خواست ایران (فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز) که موازنه قدرت را در منطقه بر هم زده شد. (www.iht.com, 2dec2006) البته این مواضع بر خلاف دیدگاه‌های مردمی در کشورهای عربی است زیرا طی یک نظر سنجی که در اکتبر ۲۰۰۵ انجام پذیرفته ۶۳٪ از مردم عربستان و امارات متحده عربی از دستیابی ایران به برنامه هسته‌ای استقبال نموده‌اند. به هر حال به نظر می‌رسد در خصوص مسئله هسته‌ای ایران عربستان دو موضوع را در نظر دارد اول آنکه ایران هسته‌ای می‌تواند توازن قوای منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهد و این موضوع با توجه به تقویت مواضع و جایگاه ایران در عراق، لبنان و فلسطین حائز اهمیت فراوانی است موضوع دیگر نگرانی‌های زیست محیطی است در صورتیکه حادثه ای برای نیروگاه اتمی بوشهر رخ دهد کشورهای حاشیه خلیج فارس آسیب‌های زیادی متحمل می‌گردند بویژه آنکه این کشورها جهت تامین بخشی از آب شرب خود به خلیج فارس وابسته هستند (مهندی، ۱۳۸۵). یک تحلیلگر می‌گوید عربستان سعودی اجازه نخواهد داد ایران بعنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای هزینه‌های عربستان را بالا ببرد. ایران در تلاش بعنوان یک دولت فارسی است نه یک دولت اسلامی. درگیری در منطقه سنی - شیعی نیست بلکه فارسی - عربی است. (www.iht.com, 2dec2006) در مجموع مواضع عربستان در خصوص مسئله هسته‌ای ایران منفی ولی توأم با احتیاط بوده است و غالباً نگرانی‌های زیست محیطی را در این خصوص مطرح نموده است اما دو نکته دیگر وجود دارد یکی آنکه با مطرح شدن تهدیدات اسرائیل و آمریکا برای حمله علیه مراکز هسته‌ای ایران، عربستان گرچه باطناً مایل به پیوستن ایران به باشگاه اتمی جهانی نیست اما به هیچ وجه تمایل ندارد که آمریکا و اسرائیل با آغاز جنگی دیگر در منطقه وضعیت موجود را بیش از پیش بحرانی نماید. نکته دیگر آنکه عربستان به هیچ عنوان نمی‌خواهد رقابت با ایران را در عرصه هسته‌ای واگذار نماید. بنابراین، مقامات عربستانی صراحتاً اعلام نمودند که خواهان انجام اقداماتی جهت توسعه تکنولوژی

هسته‌ای در کشورشان هستند که البته انتقاد صریح آمریکا را در پی داشته است و رایس وزیر امور خارجه سابق آمریکا فعالیت هسته‌ای عربستان را با وجود ذخایر عظیم نفت در این کشور سؤال برانگیز خواند (گزارش راهبردی، ۱۸۰: ۹). به نظر می‌رسد عربستان سعودی برنامه‌ای استراتژیک را در دست دارد که دستیابی به تسلیحات هسته‌ای را تحقق بخشد (گلشن پژه، ۱۳۸۴: ۲۱۲). این موضوع در گزارش‌های منابع اطلاعاتی غرب تصریح شده است که رهبری عربستان بطور جدی گزینه دستیابی به فن‌آوری هسته‌ای را مد نظر قرار داده است. منابع مزبور اعلام کرده‌اند عربستان درخواست خود را با پاکستان و چین مطرح کرده است. البته نزدیکی روابط عربستان با پاکستان به ویژه در ابعاد ایدئولوژیک تصور همکاری‌های هسته‌ای را تقویت می‌نماید.

نتیجه

با توجه به تحولات سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانه بویژه در چهار عرصه عراق، فلسطین، لبنان و موضوع هسته‌ای ایران که به آنها پرداخته شد؛ شاهد رقابت‌های جدی عربستان با جمهوری اسلامی ایران هستیم. روابط دو کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی در چارچوب گفت‌وگو سستی موازنه قوا که گفتمانی واقع‌گرا بود قرار داشته. در مقطع کنونی به نظر می‌رسد استنباط حاکمان سعودی از تحولات اخیر در منطقه این است که عربستان رقابت را به ایران واگذار کرده است. تلاش برای ارتباط با اسرائیل و حمایت آشکار از رئیس دولت خود گردان فلسطین محمود عباس، حمایت و پشتیبانی از ائتلاف ۱۴ مارس در لبنان، ارسال کمک به شورشیان سنی در عراق و اعلام تمایل به داشتن برنامه اتمی، از جمله تلاش‌های عربستان برای تقویت موقعیت خود در منطقه است. در سال‌های اخیر نگرانی‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای عربستان با جمهوری اسلامی ایران موجب سردتر شدن روابط دو کشور نسبت به گذشته شده و روابط دیپلماتیک و ارتباطات میان دو کشور ضعیف‌تر گردیده است گرچه عربستان برای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه اقدامات زیادی انجام داده ولی آنچه مهم است اینست که این کشور حاضر نیست شاهد گسترش دامنه بحران‌ها در خاورمیانه و تبدیل شدن بیشتر این منطقه به یک منطقه بی‌ثبات و بحران‌زده باشد بطور مثال هنگامی که زمزمه‌هایی درباره احتمال حمله نظامی آمریکا به تاسیسات اتمی ایران در برخی محافل خبری منتشر شد عربستان آشکارا علیه این مسئله موضعگیری کرده و این اقدام را موجب بی‌آمدن پیامدهای ناگوار برای سراسر منطقه عنوان نموده است. در هر حال دولت عربستان تلاش می‌کند با حل و فصل مشکلات و بحران‌های موجود منطقه جایگاه خود را نسبت به ایران بهبود بخشد و بدون آنکه تنش‌هایش با ایران بالا گیرد و وارد مراحل حاد و بحرانی گردد، در

چارچوب اتحادها و ائتلاف های منطقه ای و فرامنطقه‌ای علیه ایران از قدرت و نفوذ منطقه ای ایران بکاهد. در این راستا، همراهی عربستان با آمریکا، اسرائیل، اردن و مصر جهت تضعیف موقعیت شیعیان در منطقه حائز اهمیت است. عربستان در استراتژی ها و سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه جهت کنترل و مهار ایران نقشی مهم ایفا می‌کند. سفرهای منظم مقامات آمریکایی به عربستان، برگزاری رزمایش های دریایی آمریکا با کشورهای منطقه از جمله عربستان نیز با هدف رویارویی با افزایش قدرت منطقه‌ای ایران انجام می‌شود. تحولات چند سال گذشته بیش از آنکه به موقعیت ریاض کمک کرده باشد، از توان عربستان کاسته است و پادشاهی سعودی، ایران را رقیب خود می‌داند و شرایط و تحولات منطقه ای را به سود منافع ج.ا.ایران تلقی می‌کند. اغماض و عدم کنترل بر ارسال پول و تجهیزات نظامی به شورشیان سلفی در عراق و تلاش برای تقویت افکار و ایده های وهابیت در سطح جهان اسلام، از سوی عربستان، برای بازپس‌گیری عرصه بازی است. با اشغال عراق، عربستان سعودی دوباره چرخشی در سیاست‌های خود ایجاد کرده و ایران را در مسیر استقلال و خارج کردن نیروهای فرامنطقه‌ای از منطقه تنها گذاشت تا بتواند به اهداف خود دست یابد. بحران عراق باعث شده است که عربستان از عناصر وهابی تندرو و افراد القاعده به عنوان ابزاری برای سیاست‌های خود در آن کشور بهره ببرد.

ج.ا.ایران نمی‌تواند به طور آشکارا و صریح در جهت مخالفت با سیاست‌های منطقه‌ای عربستان گام بردارد. آنچه مسلم است بازگشت مجدد روابط ایران و عربستان به صحنه رویارویی و جدال سیاسی و دیپلماتیک نمی‌تواند تأمین‌کننده منافع ج.ا.ایران در چنین شرایطی باشد و به نظر می‌رسد در مقطع کنونی روند طبیعی تحولات در منطقه نمی‌تواند به سود عربستان به جریان درآید و غلیان سیاسی عربستان امری طبیعی به نظر می‌رسد و جمهوری اسلامی ایران باید از هرگونه اقدامی که به ارائه تصویری نامطلوب از ایران در نزد سعودی ها کمک می‌کند، اجتناب ورزد و برای رفع ابهام‌های موجود بکوشد. در صورتی که ایران موفق به القای این نکته به سعودی ها شود که تهران نقش، جایگاه و سهم عربستان را در معادلات منطقه و به ویژه صحنه عراق و ترتیبات امنیتی خلیج فارس مد نظر گرفته و آن را لحاظ می‌کند، اطمینان خاطری که عربستان از جانب ایران نیاز دارد، به دست خواهد آورد. در مجموع می‌توان گفت عربستان سعودی در مقطع کنونی از تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای در حال آزمون یک راهبرد جدید است که احیاء و افزایش ملی‌گرایی و تلفیق آن با مدرنیسم بعنوان بنیادهای مشروعیت ساز مورد توجه قرار گرفته است، اصلاحات اقتصادی و تغییرات تدریجی در ساختار سیاسی، اجتماعی و افزایش حضور در تحولات منطقه‌ای چشم اندازهای ترسیم شده در راهبرد نوین عربستان هستند. البته در این مسیر

مشکلات عمده فراراه این کشور قرار دارد که تلفیق میان ساختارهای سنتی و خواسته های اصلاح طلبانه داخلی و مسایل منطقه ای از جمله آنهاست .

در این برهه حساس اوضاع و احوال منطقه، به نظر می رسد ضرورت دارد که دولت مردان سعودی به درک مشترک بیشتر با مسئولان ج.ا.ایران دست یابند و برای رسیدن به این درک مشترک لازم است که دستگاه دیپلماسی ج.ا.ایران به صورت هوشمندانه، شجاعانه، متعهدانه، فعال، پویا و مستمر به تبیین خط مشی سیاست منطقه ای خود بپردازد و بر مبنای سه اصل عزت، حکمت و مصلحت روشن نماید که حمایت و پشتیبانی ج.ا.ایران از گروه های سنی حماس و دولت اسماعیل هنیه در سرزمین های اشغالی فلسطین و در همان حال از حزبا... شیعه لبنان در کنار گروه های دیگر غیر مسلمانان لبنان به دلیل ایستادگی و مقاومت آنان در مقابل مداخله و یکجانبه گرایی دولت های فرا منطقه ای و اقدامات خلاف حقوق بشر رژیم صهیونیستی علیه ملت های مسلمانان منطقه است و صرف شیعی بودن ملاک و معیار نمی باشد. در عراق نیز در واقع ج.ا.ایران از روند دموکراتیک انتخاب دولت و تقسیم و توزیع مناصب که در آن اکثریت مد نظر است جانب داری کرده است و ماهیت دولت منتخب عراق (نوری المالکی) در واقع نوعی نارضایتی برای دولت نو محافظه کار آمریکا به همراه داشته است. این مسئله در کنار جنگ ۳۳ روزه حزب ا... با رژیم صهیونیستی باعث کنار گذاشتن استراتژی خاورمیانه بزرگ که محور آن دموکراتیزه کردن منطقه مطابق خواست آمریکا بود، شده است. بی تردید ترکیبی غیر از ترکیب دولت موجود عراق بیش از حال حاضر جامعه عراق را دچار بحران، شعله های خشم، نفرت و عملیات تروریستی می نماید و امکان گسترش آن را به کشورهای همسایه فراهم می آورد. دولت عربستان نباید واهمه ای از تسری دولت اکثریت شیعی عراق بر مناطق شیعه نشین الشرقیه خود داشته باشد بلکه بیش از آن باید از گروه های سلفی - وهابی تندرو احساس خطر و تهدید نماید. در قضیه دستیابی ج.ا.ایران به فن آوری هسته ای صلح آمیز نیز به نظر می رسد این توانایی و قابلیت نهایتاً برای جهان اسلام مفید است و در صورتی که دولت سعودی در پی بدست آوردن فن آوری صلح آمیز هسته ای باشد یکی از بهترین گزینه ها برای پشتیبانی، تامین و تاسیس این حرکت علمی و فن آوری در کشور عربستان در چارچوب مقررات NPT، کشور ج.ا.ایران است .

منابع و مأخذ

الف. فارسی

۱. رستمی حسین، (۱۳۷۴) کتاب سبز عربستان، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه .
۲. محقق علی، (۱۳۸۵) ایران و عربستان سعودی، گزارش مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه .
۳. زراعت پیشه نجف، (۱۳۸۴) برآورد استراتژیک عربستان سعودی، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران .

۴. مستقیمی بهرام و ابراهیمی نبی ا... (۱۳۸۶) روابط ایران با شورای همکاری خلیج فارس بعد از سال ۲۰۰۳، فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳، پاییز.
۵. شجاع مرتضی (۱۳۸۵) رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان و موازنه نیروها در خاورمیانه، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲.
۶. روزنامه اعتماد ملی، شماره ۲۲۴، ۲۱ آذر ۱۳۸۵، صفحه ۱۱.
۷. سلیمانی محمدباقر، (۱۳۷۹) بازیگران روند صلح خاورمیانه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۸. نادری سمیرمی احمد، (۱۳۷۶) کتاب سبز لبنان، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۹. جمعی از مؤلفین، ایران و عربستان مقتضیات تازه، گزارش راهبردی ۱۸۰، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۰. مصاحبه اختصاصی نگارنده با محمد علی مهتدی (۸۵/۹/۱۹) کارشناس خاورمیانه.
۱۱. گلشن پژوه محمودرضا، (۱۳۸۴) ایران هسته‌ای: پیامدهای منطقه‌ای، پرونده هسته‌ای ایران (۲)، مؤسسه ابرار معاصر تهران.

ب. خارجی

1. www.iht.com
2. Dary champion , the kingdom of Saudi Arabia : Elements of instability within stability , middle East Reviw of international Affairs 3,4 December 1999
3. United states : Adelicate balance, America and the Arab word , The Economist , may 4,2002.